

به کلکته روانه شدیم.

روز دیگر، که پانزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۱۸ هجری، ۴ ماه اگست سنه ۱۸۰۳ عیسوی بود، آخر روز به شهر کلکته رسیدیم.

### ذکر محامد «کپتان هیز» و «مس هیز»

اسم «کپتان» این جهاز «هیز» است. شخصی بسیار با-حرمت، عالیشان، شجاع است. خدمات پسندیده در نوکری «که پنی» کرده، و زخمی بر رخسار، که از مشاهده آن هیبت در دل ناظر می افتد، طراز چهره دلآوری برداشته، عمله جهاز با آنکه در زیر بار ضبط و حدود، به اقصای الغایت، بودند، از او رضامندی داشته. این «کپتان هیز» را زنی است از طایفه «ایرش»<sup>۱</sup>، که در خوشخویی و نکو اخلاقی چند قدم از شوهر در پیش است، و با وجود این، ملاحظت رخسار و ملایمت حرکات و شیرینی گفتار دارد. در این سفر بر جهاز بود. در صحبت با مرستش بسیار خوش گذشت. به سبب اشغال نرد و شطرنج، صعوبت سفر مطلقاً معلوم نگردید، بلکه از گذشتن ایام و تعداد روزها، گاهی به خاطر نرسید.

بالجمله بعد ورود به جهاز، «کپتان هیز» حجره ای صاف پاکیزه، نزدیک به خوشی، [به من] داد، و شیری<sup>۲</sup> خود را به جهت آرام من در آن آویخت. تمام راه هر دو، زن و شوهر، منفرد احوال من بودند، و طعامهای لذیذ و شرابه های گرانبها، روزی دوسه بار، بر سفره [می کشانیدند]، و بعد ورود به لنگرگاه که حلیله جلیله را در جهاز گذاشته خود به جهت [رسانیدن خطوط، به سر راهی کلکته شد، مرا به همراه گرفت. شب که در مهمانسرای «مستر منج» به سر بردیم، خرج «لام» من و کرایه خانه از پیش خود داد، و نگذاشت که من ادا نمایم. چون به کلکته رسیدیم، درخواست کرد که همخانه بدو فرود آیم و با او همکاسه باشم، که تا استقرار کار من، او به خوشی تمام اخراجات مرا خواهد کشید. من چون خانه میر عبداللطیف موصوف را - که در این ولا محمد علیخان شوشری، که شریک ایشان است، در آن بود - می شناختم، شکر احسانهای او بر زبان ادا کرده خبر دادم که مرا جایگاه بود و باش در کلکته هست، و دوستان دارم که اگر حاجت به زر شود، ایشان مدد خواهند کرد. از او رخصت شده به خانه محمد علیخان آمدم.

در آن خانه به دیدن من آمد و تا وقتی که در کلکته بود، همواره مرا شریک چاشت و صحبت خود می نمود. بالجممله چون من از اسباب معاش به کلی معرا بودم و بجز رخت پوشاکی چیزی

(۱) Irish (ایرلندی). (۲) نسخه چاپی: بستری؛ ظاهراً مقصود همان «شیریه» است؛ و آن چیزی است که از ریسمان و امثال برای خوابیدن در جهاز می سازند. (آندراج).

با خود نداشتم، قریب چهل روز در آنجا به سر بردم، محمد علیخان غایت مکرمت و مهمان نوازی به تقدیم رسانید. اوقات طعام و خواب و انواع خوراکی را به طور من و سلیقه من وا گذاشت. از صبح تا نصف شب، خیرگیران حال من بود. از لطف و غمخواری او ممنون [شدم]. پس خانه ای به کرایه گرفته کم کم اسباب زندگی به هم رسانیدم و عمر سفر و تحریر این کتاب هر دو به اتمام رسید.

قطعه ای که سابق در شکر اتمام «تذکره خلاصه الافکار»، که در سنه ۱۲۰۶ تألیفی پسندیده شده، گفته بودم، در اینجا به مناسبت سیاق با ماده تاریخ نو درج کردم که اتمام کتاب بر نظم شده باشد، و ناظران را چون لقمه اللذ در آخر طعام، نادیری حلاوت آن در مذاق جان ماند.

### معلقه

شکر الله که این حدیقه نغز  
بشد آراسته به صد زینت  
گل و ریحان زهرسویش زده جوش  
همچو سرو کنار جوی بود  
بر سر شاخ مسطرش همه فضل  
برخیابان او چو باغ بهشت  
نثر او در نظر چو عقد گهر  
حرف حرفش چو مردم دیده  
بهر مهمانی سخن سنجان  
برضمان بصیرت ناظر  
که چنین صنعتی بدیده به دهر؟  
بعد اتمام آن چو تاریخی  
معطی علم و صنعت افرنج

که خزان را دراو نباشد بار  
همچو باغ ارم به فصل بهار  
از معانی و لفظ سبزه شعار  
مصرع و بین سطرش در دیدار  
صد هزاران هزار در گفتار  
حور ابکار فکر در رفتار  
نظم او دلربا چو آبروی یار  
مظهر ضد اندک و بسیار  
از ورق گستریده سفره هزار  
از دو لبهای جلد در اقرار  
ورکسی دیده، گو بیا و یسار  
از خرد خواستم پی تذکار  
«گفت بر صفحه جهان بنگار»  
\* ۱۲۱۹ هجری

\* به حساب جمل عبارت «گفت بر صفحه جهان بنگار» (ک-ک) ۱۲۱۷ هجری می شود، ولی تاریخ خاتمه کتاب همان ۱۲۱۹ هجری است.

تمام شد تحریر این کتاب، حسب الفرموده صاحب الامتاق، «کپتان یوسف تیلر» بهادر، عن بلدة الله آباد، من مقام محله شاه گنج، فی شهور رجب المرجب سنة ۱۸۰۶ عیسوی، به تاریخ ۲۴ ماه مذکور، به خط اضعف العباد، میرزا محمد صادق خراسانی، مطابق سنة ۱۲۲۱ هجری. من نمانم این بماند یادگار

## فهرست تفصیلی

### جلد اول

#### آغاز سفر فرنگ

آغاز (۳) - آغاز سفر فرنگ (۱۲) - ذکر اسباب توقف در خور کلکته (۱۳) - ذکر اعجوبه (۱۵) - بیان جزایر ملاکه (۱۵) - بیان حال جدی، یعنی ستاره قطب (۱۷) - ذکر برآوردن خلاصیان تقلید عجیب و عبور از استوا دفعه اول (۱۸) - ذکر [اعجوبه] ماهیهای پرنده (۱۹) - ذکر احوال قطب جنوبی (۱۹) - ذکر ترید وند یعنی باد تجارت (۱۹) - بیان وضع رفتار جہاز [از کلکته تا انگلند] (۲۰) - ذکر پرنده عجیب (۲۱) - ذکر ماهی «ویل» که بزرگتر از آن در دریا خلقی نیست (۲۲) - ذکر [شداید] جہاز و سفر دریا (۲۲) - ذکر وقوع طوفان شدید، تفصیل مکروهات سفر دریا، خصوصاً به جہاز (۲۳) - ذکر اوضاع کوهها و طریق خلقت آن (۲۶).

#### توقف در کیپ

ذکر اوضاع «کیپ» خرد (۲۹) - ذکر چایکی چاکران «کیپ» (۲۹) - ذکر رذالت «ولندیزان» (۳۰) - ذکر اوضاع شهر «کیپ» و خوبیهای آن (۳۱) - ذکر مقابح مردان و زنان ولندیز (۳۳) - ذکر خوبی بهار «کیپ» و تنوع گلهای آن دیار (۳۶) - ذکر دوستان و محبان «کیپ» (۳۸).

#### شروع سفر انگلند و ذکر جزایر سرراه

شروع سفر «انگلند» دیگر باره (۴۳) - ذکر خوبی جہاز «برطانیه» (۴۳) - ذکر جزیره «سنتلینا» و خوبی باغات آن (۴۴) - ذکر اعجوبه (۴۵) - ذکر خوبی «مستربروک» «گورنر» سنتلینا (۴۶) - صفت جزیره استنشن (۴۷) - ذکر اعجوبه (۴۷) - ذکر اسب